

## نگاهی به «حقائق تأویل» سید رضی

سید مصطفی احمدزاده

عالمان، محققان و پژوهشگران اسلامی، از دیرباز قرآن را به عنوان منبع افکار و اندیشه‌ها می‌شناختند و کتاب الهی را چونان سنگ زیرین بنای تفکر خود تلقی می‌کردند و در تحلیلها و پژوهشها و نقد و بررسی و داوری آراء و اندیشه‌ها به قرآن باز می‌گشتند. بدین سان پیشانی بر آستانش می‌ساییدند و کام تشنه خود را از آبشخور زلال این اقیانوس بی‌کران سیراب می‌ساختند و دواى دردهاشان را از آیات شفا بخش قرآن می‌جستند و در جهت رفع مشکلات خود بدان روی می‌آوردند و از این رهگذر جان و روح متلاطم خویش را در پناه تمسک به ثقل اکبر و عمل به مفاهیم آن آرامش می‌بخشیدند.

تلاشهای متفکران و اندیشمندان برای دستیابی به معانی ظاهری و مفاهیم باطنی و کشف راز و رمزهای نهفته در این صحیفه آسمانی، روایات تفسیری پیامبر(ص) و صحابه و تابعان، موشکافی‌های ادیبان و لغت‌شناسان پیرامون مفاهیم ژرف الفاظ قرآن، همه و همه در طول سالیان دراز جمع گشت و عرصه را برای ظهور تفاسیر مدون آماده ساخت.

تفاسیری که به عصر ائمه(ع) نزدیک ترند از یک سو به واسطه نزدیکی به عصر نزول قرآن و دستیابی به سرچشمه‌های زلال روایات پیامبر اکرم(ص) و ائمه(ع) که مفسران حقیقی قرآنند - و از دگر سو به دلیل دسترسی به گفته‌های صحابه و یاران ائمه که به طور مستقیم معارف قرآنی را از حاملان واقعی قرآن دریافت می‌کردند؛ در میان دیگر تفاسیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

برای استفاده هرچه بیشتر از روشهای تفسیری مطابق با قرآن و سنت و جلوگیری از فرورفتن در گرداب تفسیر به رأی، بررسی روشهای تفسیری عالمان بزرگ شیعی در قرون اولیه اسلام و اینکه اینان بر چه پایه‌هایی تفاسیر خویش را استوار می‌ساخته‌اند، ضرورت می‌یابد.

از جمله تفاسیر مهم شیعه در سده‌های اولیه اسلام، تفسیر شریف «حقائق التأویل فی متشابه التنزیل» اثر مفسر گرانقدر و محقق سخت‌کوش علامه شریف رضی است. نگارنده در این تحقیق به کاوشی درباره روش تفسیری سید رضی در این تفسیر می‌پردازد. امید است که قرآن پژوهان را سودمند افتد.

### شخصیت سید رضی

سید رضی، عالم بزرگوار، شاعر گرانمایه، نقیب سادات علویان، یکی از اعلام قرن چهارم و اوایل قرن پنجم است که در بغداد، مرکز خلافت بنی عباس و مقر حکومت تیره‌ای از آل بویه در سال ۳۵۹ هـ. ق دیده به جهان گشود، تحصیلات عالی‌اش را نزد استادان بنام آن روزگار چون شیخ مفید، عبدالجبار معتزلی، رمانی و ابن جنی در علوم گوناگون اسلامی به اتمام رسانید و در سنین جوانی اقدام به تدریس و تألیف و تصنیف کرد.

شریف رضی از دانشمندانی بود که به حق می‌توان گفت پیش‌تر از زمانش می‌زیسته و دارای اندیشه‌های ناب ادبی، تفسیری، کلامی و بویژه اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در سطح بالا بوده است. سید رضی پس از پنجاه و هفت سال عمر پر بار، در ۴۰۶ هجری قمری در بغداد به لقاء الله پیوست. رحمت خداوند بر او باد. ۱

چشم انداز سیاسی، مذهبی و علمی قرن چهارم

بررسی وضعیت سیاسی - فرهنگی عصر تألیف هر کتاب، دانش پژوهان را در جهت شناخت عمیق تر و دقیق تر و دستیابی به ویژگیهای خاص آن کتاب یاری می دهد. از این رو بررسی موقعیت سیاسی؛ مذهبی و علمی قرن چهارم راه را برای ارائه تحقیقی دقیق و همه جانبه پیرامون روش تفسیری کتاب حاضر هموارتر می سازد. در سده چهارم هجری بغداد عرصه رویارویی آراء و افکار و محل رشد و نمو تمدن اسلامی و صحنه تجمع انبوه دانشمندان، فقها، محدثان، متکلمان، مفسران، ادبا و شعرای نامی بود. علمای شیعه فرصت پیدا کردند تا درباره اثبات حقانیت باورهای خود با مخالفان به بحث و مناظره بپردازند. فشارها و محدودیت هایی که بر شیعه وارد می آمد به نسبت زیادی تعدیل یافت. پیروان تشیع توانستند شعارهای خود را آزادانه مطرح کنند. ۲

مهم ترین شخصیت شیعی، شیخ مفید، علاوه بر دقتش در احادیث، از جنبه عقلی نیز تلاش زیادی در بازشناسی و شناساندن عقاید شیعی داشت. به نظر می رسد عنصر جدیدی که در قرن چهارم بیشتر وارد تفکر شیعی شد، مسائل عقلی بود. ۳

محدثان از نظر مقام، بالاترین عالمان بودند و از رجال بزرگ اسلام به حساب می آمدند، از سوی دیگر صوفیه مخالف سرسخت همه فقها بودند و به عیب جویی اکتفا نکرده، با عبارات زشت بدگویی نیز می کردند. اما موقعیت تفسیر و مفسران از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. در قرن چهارم، تفسیر قرآن را بدون شرایط لازم جایز نمی شمردند.

از آنجا که همه فرقه ها در آن عصر، به عنوان بزرگ ترین مرجع و منبع استشهاد و استناد به قرآن تکیه می کردند و می بایست به دلایل قرآنی مجهز شوند، بنابر این قرآن نیز چون هر کتاب مقدس دیگری در معرض تفسیرهای تکلف آمیز بود. به ویژه صوفیان و غالیان به تأویل گری شهره بودند و به شیوه کهن برای اثبات دعاوی خویش به تأویلات دور از مفاد ظاهر آیات دست می یازیدند، چنان که برخی از غلات می کوشیدند بسیاری از اسماء وارده در قرآن را بر اشخاص معین تاریخی تطبیق کنند. و نیز عده ای حرص و اصرار زیاد در آوردن عجایب و غرایب داشتند و جمعی کوشیدند قرآن را با عقل تطبیق دهند. ۴

#### بررسی ساختاری حقائق التأویل

بخشی از تفسیر «حقائق التأویل» پس از هزار سال گمنامی از سوی منتدی النشر حوزه علمیه نجف چاپ و در ایران نیز بارها به صورت افست انتشار یافته است. از میان چندین مجلد این کتاب، تنها یک جزء از آن به دست آمده است که در حدّ یک پنجم مجموعه تفسیری است که از کتابخانه آستان قدس رضوی به دست آمده است. از ابی الحسن عمر نسابه نقل شده است که او گفته: تفسیر قرآن سید رضی را دیده ام، بهترین تفاسیر و از تفسیر شیخ طوسی بزرگ تر است. دیگران نیز این جمله را نوشته اند که: یک جلد از تفسیر منسوب به سید رضی را دیده ام بسیار تفسیر خوبی است و نسبت به تفسیر طبرسی بزرگ تر است. ۵

گاه مؤلف در کتاب دیگرش - المجازات النبویة - از حقائق التأویل یاد می کند و گاه هم تصریح به نام آن نیز نمی کند و از آن به «کتاب بزرگ در متشابه القرآن» تعبیر می نماید و پیداست که این گونه صفات، منطبق با کتاب حقائق التأویل است، زیرا هم کتاب بزرگی بوده است و هم ویژه متشابهات قرآن.

جزء پنجم این کتاب، تفسیر آیات سوره آل عمران را در ۳۱ فصل و ۴۸ آیه از سوره نساء در ۶ فصل دربردارد که در جمع ۳۷ فصل می شود، و با اسلوبی بدیع و نظمی دقیق به رشته تحریر درآمده است.

کتاب در نوع خود بی مانند است و حسن بیان و جمع و استقصاء اقوال علماء آن عصر در پرتو هوشیاری و عظمت علمی و شخصیتی نویسنده آن را امتیاز ویژه ای بخشیده است. به گونه ای که ابن جنّی، استاد مؤلف گفته است:

«رضی کتابی در معانی قرآن کریم تصنیف نموده که پیدایی مانند آن غیرممکن است.»<sup>۶</sup>

سید رضی در حقائق التأویل بحث درباره هر آیه متشابه را در قالب یک مسأله طرح می نماید. از این رو کتاب به ریخت مجموعه ای از پرسشهای گوناگون درآمده و هر پرسمان دارای استقلال علمی و فایده ویژه است.<sup>۷</sup> این کتاب، چنان که از نام آن پیداست، درباره متشابه قرآن می باشد، و در زمینه خود نیز نادر است و مؤلف محترم برای هر آیه ای که متشابه باشد به صورت جداگانه بحث کرده به گونه ای که از آیات قبل و بعدش جداست، و تنها از جهت همانندی با سایر آیات اشتراک دارد. بنابراین، کتاب حاضر شامل یک عده از مسائل متنوعه است، و هر مسأله ای از جهت علمی، موضوعی جداگانه است و نکات ویژه ای دارد، و همچون سایر کتابهای تفسیری نیست.

سبک و روش سید رضی در این کتاب این است که آیات واضح و روشن را تفسیر نمی کند. آیاتی را تفسیر می کند که در نظر ابتدایی ناسازگاری هایی با قواعد ادبی یا حکم شرعی یا یکی از اعتقادات اسلامی و یا یکی از مقتضیات عقلی دارد. وی آنها را به عنوان سؤال مطرح می کند و سپس جوابهایی را که به آن پرسش داده شده و سرانجام پاسخی را که خود می پسندد بیان می کند.<sup>۸</sup>

از سوی دیگر بیشتر آیات متشابه قرآن کریم از جهت اجمال و متشابه بودن شبیه یکدیگرند، و چه بسا در خلال سی و هفت آیه متشابهی که در این جزء آمده است، گره گشایی از صدها آیه متشابه دیگر نیز می شود. علاوه بر این مؤلف در ضمن بحث پیرامون هر آیه ای به آیات غیرمتشابه نیز استشهاد جسته است و در پرتو محکّمات قرآن به روشن سازی مفاهیم متشابهات پرداخته است، به طوری که در هر موضوعی با توجه به همه آیات قرآن پیرامون آن موضوع به تفسیر آیه مورد بحث همّت می گمارد.

همین امر است که بر ارزش این کتاب بزرگ می افزاید. کتاب حاضر که ویژه تفسیر آیات متشابه است، پژوهشی گسترده پیرامون اقوال علماء، تا آن عصر است، و این خود یک امتیاز برجسته تاریخی می باشد؛ حال اگر مؤلف نام صاحبان آراء و عقاید را نیز ذکر می کرد کتاب به منبعی تحقیقی و مستند تبدیل می شد.

شریف رضی در ابتدای هر آیه متشابه، در آغاز چند سؤال مطرح می کند و سپس آیه متشابه را ذکر می کند و اشکالات و انتقاداتی را که بر آن آیه شده است، به طور دقیق مطرح می کند و در ادامه اقوال علماء را پیرامون آن اشکالات نقل می کند و در پایان نظر خود را ذکر می کند.

مؤلف پیش از ورود به بحث با طرح سؤالاتی خواننده را به اندیشیدن پیرامون آن سؤالات وا می دارد. مسئله ای که دانشمندان و روان شناسان جدید بدان دست پیدا کرده اند، هزار سال پیش توسط این اندیشمند متفکر و دانشمند خوش ذوق به صورتی بدیع و عمیق در عمل پیاده شده است و این نشانگر نبوغ فکری و علمی مؤلف است.

وی با طرح سؤالات، از یک سو حس کنجکاوی و حقیقت جویی را در خواننده بر می انگیزد و او را وادار به تعقل و تفحص پیرامون سؤالات می کند و از دگر سو خواننده را در جهت درک صحیح سؤال و پاسخ احتمالی خویش بر می انگیزاند، و از این راه به خواننده فرصت اندیشیدن می دهد تا سؤال را حلّاجی کند و مایه علمی خود را محک بزند و احیاناً نظر خودش را در ذهن مجسم کند و بعد نظر مؤلف را با نظر خود بسنجد و به داوری بنشیند.

مؤلف محترم پس از موشکافی سؤال و طرح جنبه های گوناگون مسأله، ادله مخالفان و موافقان را در جواب سؤال ذکر می کند و گاه عقایدی را تأیید می کند و گاه در صدد ردّ اقوال با استدلال به آیات و اشعار و نکات نحوی و لغوی بر می آید و در پایان اگر نظری غیر از نظر عالمان دیگر داشته، آن را ذکر می کند. در بیشتر بخشها، فصولی را در پایان اقوال می آورد و بحثهای مفیدی را پیرامون موضوعات گوناگون مرتبط با آیه مذکور به بحث می گذارد و بدین شکل عرصه را بر اشکالات منتقدان و مخالفان تنگ می نماید و جای هرگونه شک و شبهه را از دل می زداید.

### محکم و متشابه از نظر سید رضی

سید رضی با هدف تأویل آیات متشابه، حقائق التّأویل را نگاشته است، از این رو لازم است پیش از ورود به بحث روش تفسیری، دیدگاه سید رضی را درباره محکم و متشابه بیان داریم.

احکام، مأخوذ از «حکم» به معنی منع و بازداشتن گرفته شده است. ابن فارس معتقد است که این کلمه از «حَكَمَةُ اللَّجَام» به معنای بازداشتن اسب از سرعت، مشتق شده است. ۹. بنابراین «احکام سخن» به معنای متقن و استوار بودن آن برای تعبیر و بیان مقصود و مفهوم سخن است.

«تشابه» از «تشابه الوجوه» گرفته شده است، یعنی همانندی و شباهت وجهی از آن وجوه با وجه دیگر آن، به گونه ای که سخنی، چند وجه از معانی را در برداشته باشد و از این جهت است که در چنین سخنی وجه و معنای اصلی مورد نظر، پوشیده و مخفی است.

راغب اصفهانی می گوید:

«محکم آن است که از حیث لفظ و معنی، شبهه ای عارض آن نشود و در معرض شبهه نباشد. و متشابه آن است که ظاهر آن، از مقصود و منظور خبر نمی دهد و معنای مورد نظر گوینده را آشکارا بیان نمی کند.» ۱۰

بنابراین، متشابه در اصطلاح قرآن، لفظی است که وجوه متعددی از معانی و مفاهیم را در بردارد و مورد شک و شبهه است و از این رو همان طور که می توان آن را به وجهی صحیح تأویل کرد، به وجهی نادرست نیز قابل تأویل است و به همین دلیل، این موضوع، دست آویز مفسدان قرار گرفته تا به منظور فتنه انگیزی، متشابهات را بر وفق اهداف گمراه کننده خود تأویل کنند. ۱۱

سید رضی معتقد است که باید آیات متشابه را به محکم باز گرداند و با استناد به آیه ۷ سوره آل عمران منظور خداوند از «آمّ الکتاب» را آیات محکّمات قرآن می داند که تمام آیات به صورت جمعی می توانند در مقام (آمّ) کتاب قرار بگیرند نه فقط برخی آیات.

مؤلف همچنین در توضیح نظریه خود اضافه می کند که هدف قرآن که عبارت است از بیان معالم دین از یک آیه یا دو آیه به دست نمی آید؛ بلکه در سایه توجه به تمام آیات قرآن به صورت یک جمع منسجم حاصل می شود؛ لذا معنای «آمّ» در آیه فوق، اصلی است که بدان تکیه می گردد و این اصل چیزی غیر از محکّمات قرآن نیست. چون آیاتی که محکم و استوارند، اصل هستند برای آیات متشابه که وقتی آنها با یکدیگر سنجیده شوند، آنچه این کتاب مبین در ضمیر دارد آشکار شود و گنجینه هایش بجوشد و پدید آید. ۱۲

مؤلف در بخش اول کتاب، فصلی پیرامون «الراسخون فی العلم و علمهم بتأویل الکتاب» گشوده است و اقوال گوناگون را پیرامون این بحث آورده است، ولی نظر خودش را پیرامون این مسأله و همچنین محکم و متشابه نیاورده است، در صورتی که لازم بوده ذیل این آیه به شکل گسترده پیرامون تأویل، محکم و متشابه از دیدگاه

خودش بحث کند. جواب این اشکال با مراجعه به مباحث بعدی کتاب روشن می شود. سید رضی در بخش ۳۱ می نویسد:

«ما در آغاز این کتاب به هنگام بحث از «اصول محکم و متشابه» قاعده ای را گفته ایم که باید به آن قاعده بازگردیم و آن اینکه، باید آیات متشابه را به آیات محکمت برگردانیم...»  
و در ادامه به منظور تأویل آیه «و لایحسبنّ الذین کفروا أنّما نملی لهم خیر لأنفسهم أنّما نملی لهم لیزدادوا إثمًا و لهم عذاب مهین» (آل عمران/۱۷۸) از همین قاعده بهره برده است. برخی آیه فوق را به گونه ای تفسیر کرده اند که مخالف با محکمت قرآن است؛ اینان گفته اند که «لام» در «لیزدادوا» مانند «لام» در «وما خلقت الجنّ و الانس إلاّ لیعبدون» (ذاریات/۵۶) است و همان طور که خداوند از مردم خواسته تا او را اطاعت کنند در آیه یادشده نیز پروردگار از کفار معصیت خواسته است. سید رضی در ردّ این گفتار به آیه محکم «و ما خلقت الجنّ و الانسان إلاّ لیعبدون» استناد کرده است. وی توضیح می دهد که این آیه بدان جهت از محکمت است و موافق برداشت عقل، چون حرف لام در «لیعبدون» به جای خود به کار رفته است و آن عبادت جنّ و انس می باشد و آیه نخست که مورد بحث است بدان جهت از آیات متشابه می باشد که حرف لام در «لیزدادوا إثمًا» در موردی به کار رفته است که ظاهر آن مراد نیست، و آن «زیادتی گناه» است. از این رو آن را بر وجوهی که موافق و مطابق ادله عقلی و قواعد عدل الهی است حمل کرده این عمل را یکی از مبانی دین می داند و آگاهی از این اصل را برای هر مفسری لازم می داند. ۱۳

از رویارویی این دو مطلب، روشن می شود که سید رضی ابتدا در شروع و مقدمه کتابش، بحثهای مربوط به مقدمات تفسیری را به شکل گسترده و با توجه به عقاید و نظرات خودش پیرامون مباحث یادشده بویژه محکم و متشابه آورده است و اگر در اینجا گفته است که در ابتدای کتاب از محکم و متشابه سخن به میان آورده ایم به دو دلیل منظورش ابتدای جلد اول بوده است، زیرا در ابتدای این جزء تنها در حدّ دو یا سه سطر پیرامون محکم و متشابه بحث کرده است، در صورتی که تناسب چنین اقتضا دارد که در کتابی که فقط به آیات متشابه توجه دارد و فقط به تفسیر آنها می پردازد بیش از اینها به بحث محکم و متشابه بپردازد، حال آن که در ابتدای این جزء بیش از چند سطر، مطلب دیگری پیرامون محکم و متشابه و اقوال علما و بویژه نظر خود مؤلف به چشم نمی خورد.

دلیل دیگر اینکه مؤلف در آخر کتاب حاضر (جزء پنجم)، می فرماید: «تمّ الجزء الخامس» و معلوم می شود اگر منظورش ابتدای این جزء بود از کلمه «کتاب» استفاده نمی کرد. در نتیجه معلوم می شود مباحث گسترده پیرامون محکم و متشابه را در ابتدای کتاب تفسیرش مطرح کرده است که دست ما از آن مباحث مفید و راهگشا کوتاه است، ولی از لابلای بحثهایی که در این جزء آورده عقیده اش پیرامون محکم و متشابه روشن می شود، چنان که نکاتی پیرامون این نظرات گذشت.

#### تفسیر قرآن به قرآن در حقائق التأویل

یکی از روشهای تفسیری قرآن، تفسیر قرآن به قرآن است. قرآن کریم در آیات چندی خود را به عنوان تبیان، مبین و... معرفی کرده است. کتابی که روشنگر همه چیز است، روشنگر خویش نیز می باشد. از این رو درک صحیح هر آیه ای در پرتو توجه به آیات دیگر امکان پذیر است. آیه ۷ سوره آل عمران این نکته را یادآور گشته است که همواره برخی از آیات قرآن از جهت رساندن معنی و مفهوم رسا و واضح هستند و مفهوم و مقصود حقیقی آنها روشن و بدیهی است که از این گونه آیات به «امّ الکتاب» تعبیر می شود و برخی دیگر از آیات قرآن متشابه هستند و برای رسیدن به معنی و مفهوم حقیقی آنها باید از آیات محکم یاری جست و آیات متشابه را به «امّ

الکتاب» ارجاع داد تا مقصود واقعی آیات روشن گردد. این آیه که یکی از مستندات پیروان تفسیر قرآن به قرآن است راه را برای تفسیر واقعی قرآن گشوده است. با توجه به این گونه آیات، تفسیر قرآن به قرآن در رأس هرم روشهای تفسیری قرار می گیرد و بهترین و مطمئن ترین روش تفسیری را فراروی قرآن پژوهان و مفسران قرار می دهد.

سید رضی با عنایت به اهمیت این روش و با توجه به اینکه در آن روزگار، قرآن محکم ترین و استوارترین سند برای اقناع مخالفان و از سوی دیگر پذیرفتنی ترین سند و مدرک برای همگان بود، در جای جای تفسیر خویش از آن استفاده کرده است.

و از آنجا که تفسیرش آیات متشابه را دربردارد، برابر اصل خویش مبنی بر ارجاع آیات متشابه به آیات محکم خود را ملزم دانسته که در پاسخ و اقناع اشکالات مخالفان، از خود قرآن مدد جوید و با استدلال به آیات محکم، آیات متشابه را تفسیر کند.

با توجه به مطالب بالا، جایگاه تفسیر قرآن به قرآن در روش تفسیری سید رضی اهمیت کلیدی می یابد.

حال به نمونه هایی از این روش تفسیری در حقائق التأویل می پردازیم:

در مسأله ۲ «در معنای انحراف دلها از حق تعالی» در تأویل آیه کریمه: «رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (آل عمران/۸) از آیه «فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (صف/۵) بهره برده و خواننده را به این نکته متوجه ساخته که «ازاغه» در قرآن در برخی مواضع، محکم و در برخی موارد، متشابه است و از جمله آیات متشابه در این زمینه آیه نخست است که آن را حمل به ظاهرش نمی توان کرد، چون در این صورت به آنجا می رسیم که بگوییم حق تعالی انسان را از ایمان منحرف می کند، حال آن که پروردگار چنین نخواهد کرد، زیرا این عمل قبیح است و خداوند از انجام آن بی نیاز است...

ایشان در ادامه نتیجه می گیرد که باید آیه را متشابه دانست و ناگزیر باید آن را به آیه ای با همین معنی که محکم نیز می باشد برگرداند که آیه «فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ» باشد و سپس به تأویل آن پرداخته و نکات بدیعی را به تصویر کشیده است. ۱۴

در مسأله ۱۰ برای روشن شدن معنای واژه «کلمه» در آیه «يا مريم إنَّ الله يبشرك بكلمة منه اسمه المسيح...» (آل عمران/۴۵) پس از ذکر اقوال گوناگون، قوی ترین وجه از وجوه مختلف را مطرح نموده توضیح می دهد که «کلمه» در این آیه به معنای وعده الهی است که پیش از این به آن نوید داده است، یا اینکه خداوند به این جهت حضرت عیسی (ع) را «کلمه» نامیده که به وسیله او مردم هدایت می شوند، چنان که به سخن خدای تعالی هدایت می شوند. بدین رو حضرت عیسی (ع) را به آن تشبیه کرده است. سید رضی برای تأیید گفتار خود به آیه «و جعل كلمة الذين كفروا السفلى و كلمة الله هي العليا...» استناد کرده و سپس معانی دیگری برای «کلمه» ذکر کرده و هر یک از اقوال را با آیات قرآنی مستند ساخته است.

سید رضی در مسأله سوم از سوره نساء در تأویل «لو تسوّى بهم الارض» در آیه «يومئذ يودّ الذين كفروا و عصوا الرسول لو تسوّى بهم الأرض و لا يكتُمون الله حديثاً» (نساء/۴۲) پس از آوردن اقوال گوناگون، نظر خود را با توسل به آیات دیگر قرآن موجه ساخته و معتقد است که معنای «لو تسوّى بهم الارض» آرزوی بازگشت کافران به دنیا است و معنای یکسان بودن شان با زمین عبارت از بازگشت شان به حالت و هیأت اولیه شان است، زیرا در روز قیامت نیروی زمین کاسته می شود و اوضاع آن تغییر می یابد؛ چنان که خدای تعالی می فرماید: «يوم تبدّل الأرض غير الأرض و السموات...» (ابراهیم/۴۸) و سپس در جهت تأیید قول خود به آیات دیگری نیز تمسک می جوید و می نویسد:

«مؤید این گفتار، کلامی است که خدای تعالی از زبان کفار در آیاتی چند آورده است که آنان آرزوی برگشت و درخواست رجوع را می نمایند، از آن جمله: «قال ربّ ارجعون لعلی اعمل صالحاً فیما ترکت...» (مؤمنون/۱۰۰-۹۹) و «فارجعنا نعمل صالحاً...» (سجده/۱۲).» ۱۵

### عقل و اجتهاد در حقائق التّأویل

یکی از روشهای تفسیری، تفسیر اجتهادی است. در این روش، عقل و اجتهاد مفسّر محور تفسیر قرآن قرار می گیرد. عصر سید رضی از یک سو اوج شکل گیری بحثهای کلامی و عقلی و دفاع عقلگرایانه متکلمان از مذاهب گوناگون بود، و از دگر سو عقل و اجتهاد و مباحث عقلی نقش مهمی در اقناع مخالفان و پاسخ به شبهات آنان ایفا می نمود. در این فضای عقل اندیشی و عقلگرایی است که تفسیر سید رضی شکل می گیرد. لذا وی در کتاب تفسیری خود - که فقط به مسائل و اشکالات مذاهب و حتی ادیان گوناگون پیرامون عقائد شیعه و اسلام می پردازد - از این موج تحوّل و تطوّر عقلی در تفسیر برکنار نیست و بدین جهت بسیاری از مشکلات تفسیری را با سرپنجه عقل و تدبّر و اجتهاد حلّ نموده است، چرا که فضای عصر وی ایجاب می کرده است که علما و مفسران با سلاح عقل به مصاف یکدیگر بروند و با کمک عقل و اجتهاد، مخالفان خویش را محکوم کنند.

سید رضی نیز که در طرفداری از عقاید شیعه با تمام توان و نیرو به پا خاسته بود، برای اثبات عقاید حقّه شیعه از هیچ تلاشی فروگذار نمی کرد. از طرف دیگر تا آن زمان شیعه مجالی برای بازگو کردن عقاید خویش نیافته بود. و در زمان سید رضی بود که استادش شیخ مفید توانست مباحث کلامی شیعه را در محافل علمی، جانی تازه ببخشد و شاگردان وی از جمله سید رضی که با حکومت وقت نیز ارتباط داشتند، از فرصت استفاده کردند و در این برهه از زمان عقاید شیعه را در محافل و مجالس و کتب علمی خویش مطرح نمودند تا بدین وسیله حقانیت مذهب تشیع را ثابت نمایند.

اینکه سید رضی تا چه حدّ موفق بوده است و تا چه اندازه اجتهادات و اصول عقلی و کلامی وی در مسائل گوناگون، پذیرفتنی است؛ نسبت به دیدگاه مفسران مذاهب مختلف در مورد جایگاه عقل و اجتهاد در تفسیر قرآن، متغیر است. حال اگر پایه اجتهاد و عقل و تدبّر در تفسیر قرآن را تنها بحثهای کلامی و مقدمات تفسیری (نحوی، قرائات، لغوی و...) بدانیم به جرأت می توان گفت که روش تفسیری سید رضی - در بیشتر تفسیرش - تفسیر اجتهادی است. زیرا در سراسر کتاب حاضر، بحثهای کلامی و عقلی، استدلالات نحوی و موشکافی های لغوی به چشم می خورد. به طوری که بخش عمده این تفسیر را مباحث اجتهادی به خود اختصاص داده است که حاصل تفکر و تدبّر مفسّر در آیات قرآن است.

حال به نمونه هایی از بحثهای عقلی و کلامی وی در تفسیر حقائق التّأویل اشاره می کنیم.

سید رضی در فصل «آیا بهشت و دوزخ آفریده شده اند یا خلق خواهند شد؟» معتقد است که این دو پس از این به وجود خواهند آمد و دلیل بر این مدّعا را آیه کریمه «اکلها دائم و ظلّها...» (رعد/۳۵) می داند که در وصف بهشت آمده است، و در ادامه با دلایل عقلی و قرآنی به اثبات نظر خود همت می گمارد. وی با استفاده از این برهان که «هر پدیده ای فانی می شود» و با ضمیمه نمودن آن با آیه یادشده نتیجه می گیرد که بهشت و دوزخ هم اکنون آفریده نشده اند، سپس به آیه دیگری استدلال می کند که خدای تعالی می فرماید:

«یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب کما بدأنا اول خلق نعیده...» انبیاء/۱۰۴

آن گاه دلیل می آورد که وقتی نیروی آسمان به پایان رسد و طومارش همچون کتاب درهم پیچیده شود، ناگزیر نیروی آنچه مربوط و متصل به آسمانهاست نیز درهم شکسته خواهد شد.

او همچنین بر این باور است که بهشت در آسمان و یا بالای آن آفریده می شود، در صورتی که خدای تعالی بهشت را به پایداری خوردنی ها و ماندگاری سایه اش توصیف فرموده است. حال اگر بهشت هم اکنون در آسمانها موجود باشد، همچون آسمان نیرویش تحلیل خواهد رفت و اساس آن درهم خواهد ریخت.

در ادامه به توضیح چگونگی بهشت حضرت آدم(ع) می پردازد و آن را غیر از بهشت جاوید می انگارد و سپس به توجیه روایات مربوط به بهشت می پردازد و آنها را بر اساس نظریه خود با استناد به مسائل عقلی و آیات قرآن تأویل می نماید. ۱۶

سید رضی در جای دیگری نظریه استاد خود - ابوعلی - را ذکر می کند که «مالک» را در آیه «مالک یوم الدین» (حمد/۴) به «قادر» تفسیر کرده و تصریح نموده که خداوند بر روز جزا قادر است، چون در حقیقت مالک هر چیز همان قادر بر آن است، و هر کس که بر چیزی قدرت داشته باشد، می تواند هرگونه تصرفی در آن چیز بنماید، پس همو مالک آن چیز می باشد؛ و در توضیح آن با تکیه بر این استدلال عقلی که کلمه «مُلک» بیشتر در چیزهای موجود به کار می رود، در صورتی که روز قیامت هنوز نیامده است، و با این حال حق تعالی خبر داده است که او مالک روز جزا می باشد، نتیجه می گیرد که «مالک» در آیه فوق به معنی «قادر» است و پروردگار بر روز قیامت قادر است. ۱۷

مرجئه آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا» (نساء/۴۸) را دستاویز خود قرار داده و بر این باورند که برابر آیه یادشده، مرتکبین گناهان کبیره که بدون آن که خویش را از گناه پاک سازند و توبه کنند، و با اصرار بر معاصی بمیرند خدا آنها را خواهد آمرزد. سید رضی پس از طرح انواع نظرات مرجئه پیرامون این آیه، با درایت و هوشیاری، تمامی استدلالات ایشان را رد کرده و با استناد به خود آیه و نتیجه گیری های عقلی، آیه را تأویل کرده است. وی بر این باور است که سخن مرجئه هنگامی درست است که آیه این گونه باشد: «و یغفر ما دون ذلك إن شاء» ولی چون آیه «لمن یشاء» دارد، نظر ایشان باطل است. در ادامه وی نتیجه می گیرد که از خود آیه معلوم می شود که حق تعالی، بعضی از گناهکارانی را که بخواهد بیامرزد می آمرزد، و برخی از کسانی که به غیر از شرک، مرتکب گناه کبیره ای شده باشند، آنها هستند که مشیت و خواست الهی بر آمرزش آنها تعلق نگرفته است، یعنی بعضی را می آمرزد و بعضی را اگر بخواهد نمی آمرزد. آن گاه پیرامون ابعاد گوناگون آیه بحث کرده و با استدلال عقلی، نظرات خویش را استوار ساخته است. ۱۸

#### ادبیات عرب در حقائق التأویل

از جمله پایه ها و اصولی که تفسیر حاضر بر آن استوار است مباحث زیبایی ادبی و بحثهای جذاب ادبیات عرب است. بحثهای لغوی و ریشه یابی لغات قرآنی، ارتباط یک لغت در یک آیه با همان لغت در آیات دیگر، استشهاد به اشعار جاهلیت برای اثبات و یا رد اقوال تفسیری و استدلال به نکات نحوی و قواعد ادبی برای پاسخگویی به اشکالات مخالفان؛ از جمله دستمایه های مفسر ادیب کتاب حاضر است.

از آنجا که سید رضی یکی از ادبای بزرگ عصر خود بوده و از ادیبان و نحویان بزرگ عالم اسلام دانش آموخته است، طبیعی است که بر فنون ادبیات عرب و اشعار جاهلیت تسلط کافی داشته و از این ذوق سرشار در جهت حل مشکلات تفسیری بهره های فراوان برده است. به طوری که احاطه ادبی سید رضی در جای جای تفسیر وی چشم نواز است.



در ردّ اقوال با اشاره به نکات ریز ادبی و استشهاد به آیات دیگر قرآن و با استدلال به اشعار شعرای جاهلیت، نکات بدیعی را به یادگار گذاشته است و در اثبات عقاید مفسران و نظرات تفسیری خویش، هیچ گاه از نقش گره گشای لغات کلیدی قرآن و قواعد نحوی غافل نبوده است. ۱۹

لازم به تذکر است با نگاهی دقیق در تفسیر حاضر یکی دیگر از اصول تفسیری وی آشکار می گردد و آن اینکه سید رضی هر لغتی را در فضای فرهنگ قرآنی آن مورد دقت و معنی شناسی قرار می دهد و یک لغت را با توجه به همه موارد کاربرد آن در قرآن، معنی و تفسیر می کند و این از جمله اصولی است که تفسیر حاضر بدان پایبند است، هر چند که کمتر مفسری بدین نکات توجه دارد. دقت در نکات ادبی و لغوی تفسیر حقائق التأویل، از هوش سرشار، ذوق ادبی، مهارت در فهم اشعار و دقایق نحوی و تسلط وی در معارف و آیات قرآنی حکایت می کند. اکنون به گوشه ای از موارد یاد شده می پردازیم.

سید رضی در تفسیر خویش پیرامون واژه «محرّر» بحثهای لغوی سودمندی دارد. ابتدا کاربردهای ریشه ای آن را مطرح نموده و سپس معنای مناسب را برای واژه «محرّر» برگزیده می نویسد:

«محرّر یعنی چیزی که نذری خالص است؛ هر چیزی که خالص باشد و به هیچ چیزی جز خدا وابسته نباشد «محرّر» است، تحریر کتاب هم از همین ماده می باشد، چون کتاب پس از تحریر، از مسوده اش رها گردیده است. عرب گوید: حرّرت الغلام، یعنی او را ویژه خودش ساختم و قید ملکیت خودم را از گردن او برداشتم، همچنین است «رجل حرّ» یعنی مردی که از عیبهای خالص باشد. «الطین الحرّ»، گلی که از شن و ریگ و لجن پاک باشد، در واقع عبارت است از خالص شده برای عبادت، به طوری که از او کاری جز ستایش پروردگارش نخواهند، یا اینکه معنای «محرّر» این است که خویشتن را وقف طاعت حق نماید و از بند بندگی معاصی آزاد شود و از گناهان دوری کند و به هیچ دری از درهای معصیت روی نیاورد، از این رو شایسته عقاب نخواهد بود.» ۲۰

در توضیح معنای «ایمان» آن را در آیه ۹۰ از سوره آل عمران به معنای «تصدیق» گرفته و این کلمه را از جمله اسماء منقوله می داند که از معنای اصلی خود نقل یافته و در اصطلاح شرع از جمله اسماء مدح قرار گرفته است، که مسمّای به این اسم در خور پاداش با نوعی تعظیم و تجلیل می باشد. و برای تأیید گفتار خود به آیه «و ما أنت بمؤمن لنا و لو كنا صادقین» (یوسف/۱۷) استناد می کند. ۲۱

در فصلی با عنوان «فرق بین نظر و رؤیت» ابتدا معانی مختلف «نظر» را با استناد به آیات قرآن بیان می کند و سپس با استشهاد به شعر ذی الرمه و تفسیر استادش ابن جنّی بر شعر ذی الرمه، فرق بین «نظر» و «رؤیت» را چنین ذکر می کند:

«نظر» گاهی به معنای انتظار می آید، و گاهی به معنای تفکّر در دلایل، مثل این که گوئیم: فلان من اهل النظر. و «نظر» به معنی تدبّر و تأمل می آید، چنان که حق تعالی می فرماید: «انظر کیف ضربوا لك الامثال...» (اسراء/۴۸)؛ یعنی تأمل کن، و گاهی «نظر» به همین معنی با حرف جرّ متعدی می شود، مثل آیه «أفلا ينظرون الى الإبل كيف خلقت» (غاشیه/۱۷) که مراد وادار کردن به تأمل و تدبّر است. و نیز «نظر» به معنای برگرداندن حدقه چشم به طور درست در سمت جسم دیدنی به خاطر دیدن و رؤیت است.

از اینجاست که فرق «نظر» و «رؤیت» آشکار می گردد، زیرا هر رؤیت کننده ای نظر کننده است، اما هر نظر کننده ای رؤیت کننده نیست.

سپس سید رضی از جمع بندی کاربردهای مختلف واژه «نظر» نتیجه می گیرد که حقیقت نظر عبارت است از طلب، زیرا ناظر و نظر کننده هم طلب رؤیت می کند، و اندیشمند هم معرفت جست وجو می کند و ناظر به معنای انتظار کشنده هم چیزی را می جوید که انتظارش را می کشد و همراه با خوف و رجا است. ۲۲

در بحث از آیه «و له أسلم من فی السموات و الارض طوعاً و کرهاً و إلیه یرجعون» (آل عمران/۸۳)، سید رضی «أسلم» را به معنی «سَلَم» گرفته و می گوید: چنان که اَعْلَم و عِلْم به یک معنی آمده است، اَسْلَم و سَلَم هم به یک معنی هستند و در توضیح آیه فوق می افزاید: پس معنای آیه مورد بحث این است که: و له سَلَم من فی السموات و الأرض، یعنی آنچه در آسمانها و زمین است در برابر قدرت الهی اعتراف به عجز کرد و اقرار کرد که یارای هموردی با پروردگار را در آفرینش پدیده ها ندارد و در برابر قدرت و جلال خداوندی بسیار ناتوان است؛ چنان که شخص می گوید: من تسلیم تو هستم، یعنی نمی توانم با تو مقابله کنم و از همسانی و همپایی با تو ناتوانم. ۲۳

در جای دیگر در بحث از آیه «آیات بینات مقام ابراهیم» در پاسخ اشکال مخالف که گفته است: «مقام ابراهیم» بدل است از «آیات بینات» و «مقام» مفرد می باشد در صورتی که «آیات بینات» جمع است و باید بدل با مبدل منه مطابقت داشته باشد، چند پاسخ داده؛ از جمله گفته است: مرفوع بودن مقام ابراهیم را به خاطر بدل بودن نمی دانند بلکه مرفوع به اضممار است و در تقدیر «هی مقام ابراهیم» می باشد، و عده ای نیز گویند معنای آیه «منها مقام ابراهیم» است، و برخی را عقیده بر آن است که «مقام ابراهیم» در معنی جمع است و در تقدیر «مقامات ابراهیم» می باشد، لکن «مقام» گفته است برای این که مصدر به معنای جمع است همچنان که حق تعالی فرموده: «ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم» که «سمعهم» به معنی «أسماعهم» آمده است. ۲۴

در تفسیر آیه «... إنا نملی لهم لیزدادوا إثمًا...» (آل عمران/۱۷۸) که از مضمون آن این گونه بر می آید که خدای تعالی از کفار، اراده کفر کرده است؛ پاسخهای چندی را آورده و از آن میان به این نکته اشاره کرده است که: اضافه فعل به خدای سبحان بدان جهت نیکو است که کفر و عصیان کفار پس از مهلت الهی و زنده نگاه داشتن ایشان تحقق یافته است، در صورتی که خدای تعالی آنها را ننگه نداشته است که معصیت کنند و کفر بورزند، بلکه بدان منظور است که ایمان آورند و به یاد حق افتند. در کلام عرب چنین است که به طور معمول عملی را که از آن نهی شده است در صورتی که دستور نهی کننده، تغییری در عمل فرد نهی شده ایجاد نکند، آن عمل را به نهی کننده نسبت می دهند. همچنان که گویند: «مازاد تک موعظتی إلا شراً و ما ازددت بتبصیری لک إلا غیاً». ۲۵

#### جایگاه نقل در حقائق التأویل

تفسیر مآثور که یکی از روشهای تفسیری مهم در سده های اولیه اسلام بوده است تا پیش از زمان سید رضی نیز یکی از مهم ترین روشهای تفسیری بوده است. ۲۶

در عصر سید رضی، روایات همچون گذشته پذیرفته نمی شد، بلکه با به میدان آمدن عقلگرایی، برخورد با روایات نیز دگرگون گردید. عده ای روایات را با اصول عقلی می سنجیدند و سپس مهر صحت بر آنان می زدند. در مقابل اینان، برخی نیز روایات را بدون چون و چرا می پذیرفتند. و گروهی نیز جانب اعتدال در پیش گرفته و روایاتی را صحیح می دانستند که از جهت سلسله سند و قوانین علم حدیث صحیح باشند.

در این میان، اوج گیری بحثهای عقلی و کلامی عرصه را بر نقل و روایت احادیث، تنگ ساخته بود و عقلگرایی و اجتهاد، دایره حدیث مداری را محدود کرده بود. در نزد متکلمان، هر روایتی بواسطه روایت بودنش پذیرفته نبود، بلکه همه روایات مورد نقد و بررسی قرار می گرفت و گاه روایاتی رد می شد و دیگر روایات نیز در بوته نقد و بررسی با اصول عقلی و نقلی تأیید می شد. ۲۷

سید رضی، در برخی از موارد با تکیه بر روایات مفسران صدر اسلام نظرات تأویلی خود را مستند می سازد ۲۸ و در بعضی موارد نیز روایات بی مایه و جعلی را گوشزد می کند و نقاط ضعف آنها را بر می شمارد و در رد این گونه

روایات هیچ ابایی ندارد. ۲۹ در بیشتر موارد، وی روایات و احادیث مأثور - بویژه اقوال صحابه و تابعان - را به عنوان نظری در کنار نظرات دیگر مطرح می کند ۳۰ و گاه جهت استوار ساختن نظریه ای و یا ابطال نظریه دیگری، از روایات - بویژه روایات ائمه معصومین(ع) - مدد می جوید. ۳۱ در چند مورد نیز، روایات ائمه معصومین(ع) را پیرامون تفسیر آیه ای بر اقوال و نظرات گوناگون مفسران و قرآن پژوهان ترجیح می دهد و آن را صحیح ترین قول بر می شمارد. ۳۲

سید رضی در توضیح فضای نزول آیات از روایات اسباب النزول کمک می گیرد و با توجه به این روایات فضای جغرافیایی نزول آیه را ترسیم می کند و سپس با توجه به آن فضا به تفسیر آیه همت می گمارد. ۳۳ در دو مورد نیز، سید رضی پس از نقل روایتی از حضرت علی(ع) در کنار سایر اقوال، در یک مورد از آن دو مورد نظر خود را بر نظرات مفسران دیگر و روایت منقول از امیرالمؤمنین(ع) ترجیح داده و بهترین تفسیر آیه را نظر خود دانسته است، ۳۴ و در مورد دیگر نیز نظر خود را در کنار دیگر نظرات مطرح کرده است. ۳۵

مطلب دیگر در زمینه روایات مأثور در تفسیر حقائق التأویل این است که سید رضی فقط در چند مورد اندک به روایات ائمه معصومین(ع) استناد جسته و بیشتر از روایان اهل سنت نقل کرده است.

توجه به دو نکته مهم و اساسی در زمینه تغییر روند تحولات علمی - فکری قرن چهارم و تأثیر مستقیم آن بر روش تفسیری سید رضی در حقائق التأویل حائز اهمیت است:

۱. تفسیر حقائق التأویل که با هدف پاسخگویی به اشکالات مخالفان و دفع شبهات آنان و تأویل آیات متشابه که دست آویز هر فرقه ای می توانست قرار بگیرد، در عصر نزدیکی شیعه و سنی به یکدیگر و اوج برگزاری محافل رسمی فرقه های مختلف و تبادل نظر پیرامون وجوه اشتراک و اختلاف مذاهب گوناگون، به رشته تحریر درآمد، ناگزیر می بایست به طرح مسائلی بپردازد که مورد اتفاق هر دو گروه شیعه و سنی باشد و این مسئله ایجاب می کرد که دلایل مورد استدلال از اصولی باشد که مورد پذیرش هر دو طرف باشد. از این رو آیات قرآن کریم در مرحله اول و اصول عقلی در مرحله دوم نقش بسزایی در تأمین هدف مفسر داشتند، به طوری که برای حدیث جایی باقی نمی گذاشتند.

۲. غالیان که از نقل روایات غلوآمیز و انتشار آنها به عنوان عقاید شیعه هیچ ابایی نداشتند و به صراحت آیات قرآن را بر پایه باورهای شخصی و فرقه ای خویش تفسیر و تأویل می کردند، ۳۶ عرصه را بر فعالیت های علمی بزرگان شیعه تنگ کرده بودند. در این رویارویی، علمای شیعه برای پاکسازی روایات به عقلگرایی و مباحث کلامی روی آوردند تا از این رهگذر عقاید ناب شیعه را بر پایه اندیشه های عقلی استوار سازند و از سوی دیگر فعالیت غالیان را محدود سازند و در برابر آنان با تمام توان قیام نمایند، تا از خدشه دار شدن اصول مسلم شیعه جلوگیری نمایند و از این مشکل فرهنگی، نجات پیدا کنند و بتوانند در بستر سالمی، احادیث شیعه را جمع و تدوین و منتشر سازند. هرچند که پیداست شیعه تا آن زمان مجالی برای طرح روایات ائمه معصومین(ع) پیدا نکرده بود تا بتواند در این حوزه با تمام توان فعالیت کند.

حال در زیر به مواردی از روایات مأثور نگاهی گذرا داریم:

مورّج (سدوسی) گوید: به تعبیر «قیس عیلان» مراد حق تعالی از «شهد الله»، «قال الله» است، چون معنای شهادت در اصل، گفتار مخصوص است.

سید رضی این نظر را ردّ می کند و دلیل می آورد که در قرآن کریم مواردی هست که در آنها به شهادت پروردگار اشاره رفته است، در صورتی که نمی توان گفت که مراد حق تعالی از کلمه شهادت، «قول» است چون با این توجیه، اساس معنی خراب می شود، از جمله آیه کریمه: «لکن الله یشهد بما أنزل إليك بعلمه و الملائکه

یشهدون و کفی بالله شهیداً» (نساء/۱۶۶) پیداست که در اینجا نمی توان گفت که مراد: «لکن الله یقول بما انزل» است، چون معنای جمله خراب می شود. ۳۷

ابوجعفر طبری از عکرمه و سدّی نقل کرده است که این دو گفته اند: چون ملائکه به حضرت زکریا(ع) بشارت دادند، شیطان بر این صدا و بشارت اعتراض کرد؛ حضرت زکریا را وسوسه کرد که آنچه شنیده ای از سوی ملائکه نبوده، بلکه از ناحیه شیطان است، چون اگر از طرف حق تعالی بود ناگزیر به صورت وحی بر تو نازل می شد. به همین جهت زکریا شک کرد و گفت... .

سید رضی با هوشیاری این روایت را نشانگر نادانی گوینده اش می داند و مقام پیامبران را بالاتر از آن می داند که بازیچه شیاطین قرار گیرند و نتوانند صدای شیطان و ملائکه را از یکدیگر تشخیص دهند. سپس نزول وحی را سبب آرامش و اطمینان قلبی پیامبر برمی شمارد و می افزاید که نزول وحی که باعث اطمینان خاطر می شود نمی تواند شک برانگیز باشد. از سوی دیگر با استفاده از خود آیه پاسخ می دهد: اگر آن حضرت شک داشته است که طرف خطاب او خداوند است یا نه، کمترین چیزی که می توانست بگوید این بود «آئی یکون لی غلام» نه این که در آغاز خدای تعالی را مخاطب قرار دهد و بگوید: «ربّ آئی یکون لی غلام»؛ پس معلوم می شود که طرف خطاب خود را - که خداوند بوده - می شناخته است. ۳۸

در تأویل آیه «ولایتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله» از عکرمه دوست ابن عباس روایتی را نقل می کند که او گفت: خداوند از سجده کردن بعضی بعض دیگر را نهی فرموده است و نصارا نسبت به بزرگان دینی شان و قضات، خضوع و کوچکی دارند و آنها را سجده می نمایند. ۳۹

در تأویل آیه «و اذ اخذ الله میثاق النبیین لما آتیتکم من کتاب و حکمه ثمّ جاءکم رسول مصدّق لما معکم لتؤمننّ به و لتنصرنّه...» (آل عمران/۸۱) بعضی از مفسران، پیامبران و بعضی امتهای پیامبران را مخاطب آیه می دانند. سید رضی وجود روایات بسیاری را مبنی بر اینکه طرف خطاب آیه پیامبرانند دلیل معتقدان به فرض اول برشمرده و چندین روایت در این زمینه نقل می کند از جمله روایتی است که از حضرت امیرالمؤمنین(ع) نقل شده است که آن حضرت فرمود:

«لم یبعث الله سبحانه نبیاً من لدن آدم(ع) الی محمد(ص)، إلاّ اخذ علیه العهد فی محمد لئن بعث و هو حی لیؤمننّ به و لینصرنّه».

از ابن عباس و طاووس روایت شده است که: همانا از پیامبران پیمان تبلیغ گرفته شده است نه امتهایشان، تا اینکه هر یک از آنها دیگری را تأیید و تصدیق نماید و به پیامبری یکدیگر گواهی دهند. ۴۰

درباره مراد از خطاب «کنتم» در آیه «کنتم خیرامه اخرجت للناس...» روایات چندی را نقل می کند. از ابن عباس - رضی الله - روایت شده است که او گفت: آیه «کنتم خیر امه اخرجت للناس...» درباره کسانی نازل شده است که آنها با رسول الله(ص) به مدینه هجرت نمودند. از مجاهد روایت شده است که او گفت معنای آیه این است که شما بهترین امت هستید؛ تا آن گاه که امر به معروف و نهی از منکر نمایید و به خدای تعالی ایمان آورید این چنین خواهید بود. از حسن بصری روایت شده است که:

«این آیه خطاب است به صحابه گرامی، نه تابعان که حالات آنها تغییر یافته و اوصافشان عوض گردیده است.» ۴۱

سید رضی در تأویل آیه «و إن خفتم ألاّ تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و

رباع...» (نساء/۳) با ذکر روایتی از امام باقر(ع) سبب نزول آیه را نقل می کند و بر پایه این روایت اشکالات وارده را پاسخ می گوید. ۴۲

روش تفسیری سید رضی در نگاه کلی

علاوه بر دلایلی که در بحث «جایگاه نقل در حقائق التأویل» پیرامون استفاده محدود از روایات توسط سید رضی در تفسیر آیات ذکر شد، دلایلی هم در اینجا ذکر می شود که از رهگذر تجزیه و تحلیل آنها به روش تفسیری سید رضی دست خواهیم یافت.

۱. از یک سو مسائلی که در قرن چهارم در محافل علمی مورد بحث و مناظره قرار می گرفت در قرن اول و دوم یا مطرح نشده بود و یا به شکل محدود و مجمل طرح شده بود، در صورتی که در عصر سید رضی این مسائل با تیزبینی و دقت بیشتر مورد بازبینی قرار می گرفت و بحثهای گسترده و همآورد با مخالفان را می طلبید. و از دیگر سو، به دلیل ارائه نشدن بحثهای یادشده از سوی یاران ائمه(ع) و نبودن روایت در زمینه های مزبور، روایات ائمه معصومین(ع) درباره مسائل مورد گفت وگو در آن عصر اندک بود. و این روایات اندک در مقابل موج روزافزون شبهات مخالفان و دفع اشکالات آنان، سهم ناچیزی را به خود اختصاص می دادند و اصولاً روایات یادشده، کمتر به بحثهایی که سید رضی متعرض آنها گردیده پرداخته اند؛ از این رو نقل روایات اندک در تفسیر وی امری طبیعی است.

۲. بنابر اصلی که سید رضی برای تفسیر آیات متشابه دارد و تفسیرش نیز فقط تأویل آیات متشابه را شامل می شود، وی جز استفاده از آیات محکم قرآن برای شرح و تأویل آیات متشابه، چاره ای دیگر نداشت، بنابراین استفاده از روایات چندان مفید نمی افتاد.

۳. بیشتر اشکالات مخالفان به دلیل فضای حاکم بر آن عصر، کلامی و عقلی بود و برای پاسخ به این اشکالات، مباحث کلامی و عقلی در صدر قرار داشتند و در جواب عقل، فقط عقل کارساز بود و نقل را یارای همآوردی و مقابله با عقل، بویژه برای اقناع مخالفان نبود. وانگهی روایاتی که به این مباحث می پرداختند از یک سو اندک و مجمل و از دیگر سو مورد بی میلی مخالفان قرار می گرفتند. بنابراین نقل این روایات که مورد پذیرش تمامی گروه های کلامی آن روزگار نبود، آب در هاون کوبیدن بود.

۴. دستمایه مباحث کلامی و عقلی یادشده در تفسیر حاضر، آیات قرآن و روایات ائمه(ع) است و اصول کلامی شیعه از بطن روایات ائمه(ع) و آیات قرآن استخراج گردیده است و آبخور اصول کلامی وی نیز مجاری وحی بوده است. با توجه به این نکته، حضور غیرمستقیم روایات در تفسیر سید رضی خودنمایی می کند. مجموعه دلایل بالا توجه گر محدود بودن دایره نقل روایات در تفسیر حاضر خواهد بود.

حال درمورد روش تفسیری سید رضی با دید واقع بینانه ای می توان گفت که ایشان در تفسیر خود روش «تفسیر جامع» را در پیش گرفته است؛ بدین شکل که در استفاده از آیات قرآن، به «روش تفسیر قرآن به قرآن» پرداخته و در استفاده از تفکر و تعقل و تدبّر در فهم صحیح قرآن، «روش تفسیر عقلی و اجتهادی» را پی گرفته و در استناد به مقدمات علمی تفسیر قرآن و استشهاد به اشعار و لغات عربی، قواعد نحوی، شأن نزول آیات و مراعات جهات لفظی و ویژگیهای صنعتی توجه تامّ و خاصی داشته است. همچنین به دلیل اینکه فردی شیعی مذهب است و ارادت خاصی به خاندان پیامبر دارد، به قدر ممکن روایاتی را از ائمه(ع) نقل کرده است. هر چند که از روایات صحابه و تابعان نیز در حواشی نکات تفسیری خود بهره های فراوانی برده است.

نتیجه آن که در تفسیر «حقائق التأویل فی متشابه التنزیل» روش تفسیری سید رضی با اتکاء به آیات قرآن، استناد به سنت و عترت، استفاده از تعقل و تفکر و بهره گیری از مقدمات علمی تفسیر قرآن، روش «تفسیر

جامع» ۴۳ است که نسبت به هزار سال پیش در نوع خود بی نظیر بوده و این سخن را استادش ابن جنی تأیید می کند که در مورد تفسیر وی گفته است:

«صنّف الرضى كتاباً فى معانى القرآن الكريم يتعذّر وجود مثله.» ۴۴

۱. حلی، عبدالحسین، شرح حال و آراء و آثار سید رضی؛ مقدمه تفسیر حقائق التأویل، ترجمه دکتر محمود فاضل؛ دوانی، علی، دورنمایی از شخصیت والای نابغه نامی سیدرضی مؤلف نهج البلاغه؛ نقل از یادنامه علامه شریف رضی به اهتمام: سید ابراهیم سید علوی. جهت اطلاع بیشتر از زندگی و احوال سید رضی به منابع زیر مراجعه کنید:

- سید رضی مؤلف نهج البلاغه، علی دوانی.

- الشریف الرضى؛ محمد عبدالغنى حسن.

- الشریف الرضى، محمد رضا آل کاشف الغطاء.

- مصادر ترجمه الشریف الرضى، دکتر محمد هادی امینی نجفی.

- بررسی و تحقیق پیرامون منابع ترجمه و شرح حال شریف رضی، یادنامه علامه شریف رضی، سید ابراهیم علوی.

۲. فقیهی، علی اصغر، وضع شیعه در عصر شریف رضی، به نقل از یادنامه علامه شریف رضی، ۳۰۳.

۳. جعفریان، رسول؛ تاریخ تشیع در ایران، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۱ ش، ۲۴۸.

۴. آدم متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲، ۲۲۷. به نقل از: (Goldziher, zabiriten, s., 132)

۵. حلی، عبدالحسین؛ مقدمه کتاب تفسیر حقائق التأویل/ ۹۱ (ترجمه از دکتر محمود فاضل).

۶. ابن خلکان، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، ۴/۴۱۶.

۷. خرمشاهی، بهاءالدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ۱/۶۹۷.

۸. مصطفوی، سید جواد، روش تفسیر شریف رضی؛ یادنامه علامه شریف رضی، ۵۹.

۹. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق، ۹۱/۲.

۱۰. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، المکتبة المرتضویة، تحقیق ندیم مرعشی، ۲۶۱.

۱۱. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، ترجمه ابومحمد وکیلی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ش، ۱۴/۳.

۱۲. السید الشریف الرضى، حقائق التأویل فی متشابه التنزیل؛ دارالکتب الاسلامیة؛ قم: ابی تا؛ علامه شریف رضی، حقائق التأویل فی متشابه التنزیل، ترجمه دکتر محمود فاضل یزدی مطلق، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۶ ش، ۱۱۲.

۱۳. همان، ۲۷۸ (ترجمه: ۳۸۶).

۱۴. همان، ۲۴ (ترجمه: ۱۳۰).

۱۵. همان، ۳۳۶ (ترجمه: ۴۴۸).

۱۶. همان، ۲۴۶ (ترجمه: ۳۵۱).

۱۷. همان، ۶۹ (ترجمه: ۱۷۵).

۱۸. همان، ۳۶۲ (ترجمه: ۴۷۶).

۱۹. همان، ۱۵۲ - ۱۵۴؛ ۱۶۵؛ ۱۹۰ - ۱۹۲.

۲۰. همان، ۸۵ (ترجمه: ۱۸۹).

۲۱. همان، ۱۶۳ (ترجمه: ۲۷۰).

۲۲. همان، ۲۵۳ (ترجمه: ۳۵۹).

۲۳. همان، ۲۷۶ (ترجمه: ۲۶۱).

۲۴. همان، ۳۰۰ (ترجمه: ۲۸۸).

۲۵. همان، ۴۰۳ (ترجمه: ۳۹۱).

۲۶. هدی جاسم محمد ابوطبره، المنهج الأثری فی تفسیر القرآن الکریم، ۲۶ - ۶۱.

۲۷. ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، ۱/۱۴۶؛ شیخ طوسی، محمد حسن، التبیان، ۱/۱۹۸.

۲۸. سید رضی، حقائق التأویل، ۳۱۵ - ۳۱۷.

۲۹. همان، ۲۱۲ - ۲۱۳؛ ۲۴۹ - ۲۵۰؛ ۳۳۹ - ۳۴۰؛ ۴۶۹ - ۴۷۲.

۳۰. همان، ۱۵۲؛ ۱۸۳؛ ۱۸۶؛ ۱۹۶؛ ۲۴۱؛ ۳۴۳.

۳۱. همان، ۲۳۲؛ ۴۱۳.

۳۲. همان، ۳۶۵.

۳۳. همان، ۲۸۱؛ ۳۵۱؛ ۳۷۷؛ ۴۶۰.

۳۴. همان، ۲۵۳ - ۲۵۶.

۳۵. همان، ۲۹۴ - ۲۹۶.

۳۶. جهت اطلاع بیشتر، ر. ک: نعمت الله صفری فروشانی، غالیان، کاوشی در جریانها و برآیندها، بنیاد پژوهشهای

اسلامی، ۲۸۴.

۳۷. سید رضی، حقائق التأویل، ۵۸ (ترجمه: ۱۶۳).

۳۸. همان، ۹۳ (ترجمه: ۱۹۸).

۳۹. همان، ۱۲۱ (ترجمه: ۲۲۵).

۴۰. همان، ۱۳۴ (ترجمه: ۲۳۸).

۴۱. همان، ۲۲۳ (ترجمه: ۳۲۸).

۴۲. همان، ۲۹۲ (ترجمه: ۴۰۲).

۴۳. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روشهای تفسیر قرآن، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، تهران، ۱۳۶۶ش، ۳۱۵.

۴۴. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۲/۲۴۶؛ ابن خلکان، وفيات الاعیان، ۴/۴۱۶.

